



A Phenomenological Analysis of the Psychological Consequences of Divorce on the Family of Origin: Experiences of Parents of Divorcing Couples

Saeeda Abdullahi Tazarjan¹ Maryam Sadeghi fard^{2*} Emad Yousefi³

1. PhD Student in consulting, Islamic Azad University, Qeshm Science & Research Branch, Qeshm, Iran.
<https://orcid.org/0000-0001-7300-9750>
2. PhD in counseling, Assistant professor, Department of counseling, Faculty of Humanities, University of Hormozgan, Bandarabbas, Iran.
<https://orcid.org/0000-0002-6837-1065>
3. Assistant professor, Department of Psychology and Educational Science, Qeshm Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran.
<https://orcid.org/0000-0001-9924-8329>

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

Article History

Received:

November 29, 2024

Accepted:

January 15, 2025

Keywords:

Divorce, Psychological consequences, Family of origin, Parents, Stigmatization, Psychosocial support

Introduction: Divorce is a complex and multidimensional social phenomenon shaped by individual, social, economic, cultural, and political factors. The present study aims to explore the psychological consequences of divorce for families through a phenomenological lens and to analyze the lived experiences of the parents of divorcing couples. **Method:** This study employed a descriptive phenomenological approach. Participants included the parents of 12 divorcing couples in the city of Yazd, selected through purposive sampling based on specific inclusion criteria. Data were collected using semi-structured interviews and analyzed using Braun and Clarke's thematic content analysis method. **Findings:** The findings revealed that the psychological consequences of divorce for parents can be categorized into three main dimensions: emotional-psychological (feelings of guilt, anxiety, and depression), socio-cultural (social stigma and reduced social acceptance), and cognitive-attitudinal (decreased trust in marriage and concerns about their children's future). **Conclusion:** The results highlight the deep and multilayered impact of divorce on both parents and children, underscoring the need for targeted psychosocial support for families navigating the divorce process.

Cite this article:

Abdullahi Tazarjan¹, S., Sadeghi fard, M., Yousefi, E. (2024). A Phenomenological Analysis of the Psychological Consequences of Divorce on the Family of Origin: Experiences of Parents of Divorcing Couples. *Journal of Islamic-Iranian Family Studies*. 4(3), 67-74

Maryam Sadeghi fard

Corresponding Author

Address : Department of counseling, Faculty of Humanities, University of Hormozgan, Bandarabbas, Iran.

Email: m.sadeghifard@hormozgan.ac.ir

Extended Abstract

Introduction

Divorce, as a complex socio-cultural phenomenon, has profound psychological impacts not only on couples but also on their families of origin. In Iran's collectivist context, parents often face emotional distress and social stigma when their children go through divorce. This study addresses the limited research on these consequences, focusing on the lived experiences of parents of divorcing couples in Yazd city.

Methodology

Using a descriptive phenomenological approach, this qualitative study explored the experiences of 12 parents (6 fathers, 6 mothers) whose children were involved in divorce proceedings. Participants were selected through purposive criterion sampling. Semi-structured interviews were conducted and analyzed using Braun and Clarke's six-step thematic analysis. To ensure credibility, member checking and peer debriefing were applied.

Results

Three central themes emerged: (1) Emotional-Psychological Consequences – including guilt, depression, anxiety, and perceived parenting failure; (2) Social-Cultural Repercussions – stigma, reduced social engagement, and changes in family dynamics; and (3) Cognitive-Attitudinal Shifts – diminished trust in marriage and fear about the children's future. Participants' testimonies revealed deep psychological distress and challenges to social identity.

Discussion and Conclusion

These findings align with systemic family theory and labeling theory. A child's divorce disrupts the familial balance, impacting parents' roles, self-perception, and social relations. In Iran, where family honor is tightly connected to marital stability, these effects are magnified. The experience of stigmatization contributed to emotional withdrawal and reduced public participation. The divorce of children presents multi-layered challenges for parents in Iranian society. Addressing these issues requires comprehensive psychological and social support, public education to reduce stigma, and culturally tailored intervention programs.

Acknowledgements

We extend our sincere thanks to all participants who shared their valuable experiences.

Funding

This study received no financial support.

Ethics approval and consent to participate

All participants gave written informed consent. The study was approved by the Ethics Committee of Islamic Azad University (Code: IR.IAU.BA.REC.1403.030).

Conflict of interests

The authors declare no conflict of interest.



تحلیل پدیدارشناسانه پیامدهای روان‌شناختی طلاق بر خانواده مبدأ: بررسی تجارب والدین زوجین متقاضی طلاق

سعیده عبداللهی طزرجان^۱، مریم صادقی فرد^{۲*}، عماد یوسفی^۳

۱. دانشجوی دکتری تخصصی مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات قشم، قشم، ایران

<https://orcid.org/0000-0001-7300-9750>

۲. دکتری مشاوره، استادیار، گروه روانشناسی و مشاوره، دانشکده علوم انسانی دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران

<https://orcid.org/0000-0002-6837-1065>

۳. استادیار، گروه روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قشم، قشم، ایران.

<https://orcid.org/0000-0001-9924-8329>

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخچه مقاله: تاریخ دریافت: ۸ آذر ۱۴۰۳ تاریخ پذیرش: ۲۵ دی ۱۴۰۳ واژه‌های کلیدی: طلاق، پیامدهای روان‌شناختی، خانواده مبدأ، والدین، انگ‌زنی، حمایت روانی-اجتماعی.	مقدمه: طلاق پدیده‌ای اجتماعی و چندبعدی است که تحت تأثیر عوامل فردی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی شکل می‌گیرد. هدف پژوهش حاضر بررسی پدیدارشناختی، پیامدهای روان‌شناختی طلاق برای خانواده و واکاوی تجربه‌های والدین زوج‌های در حال طلاق است. روش: پژوهش حاضر به شیوه پدیدارشناسی توصیفی انجام شده است. شرکت‌کنندگان شامل والدین ۱۲ زوج در حال طلاق در شهر یزد بودند که به‌صورت هدفمند و بر پایه معیارهای مشخص انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته گردآوری و با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای براون و کلارک تحلیل شدند. یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که پیامدهای طلاق بر والدین در سه بُعد اصلی قابل تقسیم‌اند: عاطفی-روان‌شناختی (احساس گناه، اضطراب و افسردگی)، اجتماعی-فرهنگی (داغ‌نگ و کاهش پذیرش اجتماعی)، و شناختی-نگرش‌محور (کاهش اعتماد به ازدواج و نگرانی نسبت به آینده فرزندان). نتیجه‌گیری: نتایج این مطالعه بیانگر اثرات عمیق و چندلایه طلاق بر والدین و فرزندان است و بر لزوم ارائه حمایت‌های روانی-اجتماعی هدفمند به این گروه تأکید دارد.
استناد:	عبداللهی طزرجان، سعیده، صادقی فرد، مریم، یوسفی، عماد. (۱۴۰۳). تحلیل پدیدارشناسانه پیامدهای روان‌شناختی طلاق بر خانواده مبدأ: بررسی تجارب والدین زوجین متقاضی طلاق، فصلنامه مطالعات اسلامی ایرانی خانواده. ۴(۳). صص ۶۷-۷۴.

مریم صادقی فرد

نشانی: گروه روانشناسی و مشاوره، دانشکده علوم انسانی دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران

ایمیل: m.sadeghifard@hormozgan.ac.ir

نویسنده مسئول:

مقدمه

طلاق به عنوان یکی از پدیده‌های پیچیده و چندوجهی در زندگی زناشویی، تأثیرات گسترده‌ای بر خانواده‌ها و جامعه دارد. این پدیده تحت تأثیر عوامل فردی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی قرار دارد که در هر جامعه‌ای با توجه به ساختار و فرهنگ خاص آن، نمود متفاوتی دارد (Amato, 2010). خانواده مبدأ^۱ به عنوان نخستین نظام اجتماعی و زیربنای رشد شناختی، عاطفی و رفتاری فرد، نقش بسزایی در شکل‌گیری روابط زناشویی و احتمال وقوع طلاق ایفا می‌کند (Komorowska-Pudło, 2021). این خانواده می‌تواند به عنوان یک حمایت اجتماعی مهم یا عاملی در ایجاد تعارضات زناشویی مطرح شود.

پیامدهای روان‌شناختی^۲ طلاق، شامل واکنش‌های هیجانی و شناختی مانند اضطراب، افسردگی و احساس گناه است که می‌تواند سلامت روان والدین زوجین متقاضی طلاق را تحت تأثیر قرار دهد (Pasteels & Bastait, 2020). این پیامدها ممکن است به کاهش اعتماد به نفس و اختلال در روابط خانوادگی منجر شود. انگ‌زنی اجتماعی^۳ یکی از مشکلات مهم خانواده مبدأ پس از وقوع طلاق است که باعث کاهش سرمایه اجتماعی و طرد شدن والدین از جمع‌های خانوادگی (بستر جمع گرایانه ایران) و اجتماعی می‌گردد (Amato, 2000). این انگ‌زنی می‌تواند به بحران هویت و کاهش حمایت اجتماعی منجر شود. اعتماد به نهاد ازدواج^۴ از دیگر مفاهیم کلیدی است که پس از تجربه طلاق فرزند، ممکن است دچار تزلزل شود. والدین ممکن است نسبت به پایداری ازدواج و ازدواج مجدد فرزند خود دچار نگرانی و بی‌اعتمادی شوند (Wolfinger, 2011).

نظریه سیستم‌های خانواده،^۵ خانواده را به عنوان یک نظام به هم پیوسته می‌داند که تغییر یا اختلال در یک بخش آن، کل سیستم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این چارچوب، طلاق فرزند به عنوان یک بحران سیستمی، تأثیرات متعددی بر دیگر اعضای خانواده از جمله والدین دارد (Taghizadeh et al., 2024). با توجه به اهمیت موضوع و خلأ پژوهشی در زمینه پیامدهای روان‌شناختی طلاق بر خانواده مبدأ در ایران، پژوهش حاضر با رویکرد پدیدارشناسی توصیفی، به بررسی تجارب زیسته والدین زوجین متقاضی طلاق می‌پردازد. هدف اصلی این پژوهش، شناسایی و تحلیل پیامدهای روان‌شناختی طلاق بر والدین است تا بتواند به توسعه برنامه‌های حمایتی و مشاوره‌ای مؤثر کمک کند.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نوع کیفی و با طرح پدیدارشناسی توصیفی انجام شده است. جامعه آماری شامل کلیه والدینی بود که فرزندان آن‌ها در فرآیند طلاق قرار داشتند و در سال ۱۴۰۲ به مراکز مشاوره خانواده در شهر یزد مراجعه کرده بودند. روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند ملاکی انجام شد. ملاک‌های ورود شامل: (۱) والدینی که فرزند آن‌ها در مرحله طلاق رسمی یا توافقی قرار دارد، (۲) آمادگی روانی برای شرکت در مصاحبه، و (۳) حداقل سواد خواندن و نوشتن. ملاک‌های خروج شامل: وجود اختلال روان‌پزشکی حاد یا اختلال شناختی که مانع از مشارکت در مصاحبه شود. حجم نمونه برابر با ۱۲ نفر (۶ مادر و ۶ پدر) بود. ابزار گردآوری داده‌ها، مصاحبه نیمه ساختاریافته طراحی شده توسط پژوهشگر بر اساس ادبیات نظری و

^۱.Family of Origin

^۲. Psychological Consequences

^۳.Social Stigmatization

^۴.Trust in the Institution of Marriage

^۵.Family Systems Theory

اهداف پژوهش بود. سؤالات مصاحبه شامل ۸ سؤال اصلی و ۴ سؤال فرعی درباره پیامدهای روان شناختی طلاق بر والدین بود. اعتبار ابزار با نظر خبرگان و اساتید حوزه روان شناسی تأیید شد و پایایی آن از طریق انجام دو مصاحبه آزمایشی سنجیده شد. مصاحبه‌ها در محیطی آرام اجرا گردید و هر مصاحبه بین ۴۰ تا ۶۰ دقیقه طول کشید. مصاحبه‌ها با کسب رضایت، ضبط و سپس به صورت مکتوب پیاده سازی شدند. نمره گذاری یا کدگذاری داده‌ها به روش تحلیل مضمون صورت گرفت. برای تحلیل داده‌ها از روش شش مرحله‌ای براون و کلارک استفاده شد. مراحل تحلیل شامل: آشنایی با داده‌ها، تولید کدهای اولیه، جستجوی مضامین، بازبینی مضامین، نام گذاری مضامین و نگارش گزارش نهایی بود. به منظور اطمینان از روایی و پایایی، از روش‌های بازبینی مشارکت کنندگان،^۶ بررسی توسط همتایان^۷ و مشاوره با اساتید حوزه پژوهش کیفی استفاده شد. از نظر اخلاقی، پژوهش با اخذ کد اخلاق به شماره IR.IAU.BA.REC.1403.030 از کمیته اخلاق دانشگاه آزاد اسلامی انجام شد. رضایت نامه کتبی از تمامی مشارکت کنندگان اخذ گردید و اصول رازداری و محرمانگی در تمام مراحل رعایت شد.

یافته‌ها

در این بخش، ابتدا ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه توصیف می‌شود. از میان ۱۲ والد شرکت کننده، ۶ نفر زن و ۶ نفر مرد بودند. میانگین سنی مشارکت کنندگان ۵۶ سال، با دامنه سنی ۴۶ تا ۶۸ سال بود. اکثریت دارای تحصیلات دیپلم یا پایین تر بودند و از نظر وضعیت اشتغال، ۸ نفر بازنشسته یا خانه دار و ۴ نفر شاغل بودند. بیشتر آن‌ها از طبقه متوسط شهری بودند و فرزندان شان بین ۲ تا ۷ سال از آغاز زندگی مشترکشان گذشته بود.

جدول ۱. مشخصات مصاحبه شوندگان

کد مصاحبه‌شونده	جنسیت	سن	سطح تحصیلات
۱م	زن	۵۲	دیپلم
۲م	مرد	۶۰	لیسانس
۳م	زن	۴۸	فوق دیپلم
۴م	مرد	۵۵	کارشناسی ارشد
۵م	زن	۵۰	دیپلم
۶م	مرد	۵۷	سیکل
۷م	مرد	۶۴	نهضت
۸م	زن	۷۱	نهضت
۹م	مرد	۶۲	کارشناسی
۱۰م	مرد	۵۹	دیپلم ردی
۱۱م	زن	۴۹	کارشناسی ارشد
۱۲م	مرد	۵۶	سیکل

تحلیل داده‌ها با روش تحلیل مضمون براون و کلارک منجر به استخراج سه مقوله اصلی شد:

^۶. member check

^۷. peer debriefing

۱. پیامدهای عاطفی-روان‌شناختی: شامل احساس گناه از شکست فرزند در ازدواج، افسردگی، اضطراب، احساس بی‌کفایتی در نقش والد، و شب‌زنده‌داری ناشی از نگرانی.
۲. پیامدهای اجتماعی-فرهنگی: تجربه طرد اجتماعی، نگاه قضاوت‌گر اطرافیان، کاهش مشارکت در مهمانی‌ها و مراسم اجتماعی و احساس شرم اجتماعی.
۳. تحولات شناختی-نگرشی: کاهش اعتماد به نهاد ازدواج، نگرانی از آینده فرزندان (ازدواج مجدد، سرپرستی فرزند)، احساس بی‌انگیزگی نسبت به ازدواج دیگر فرزندان و تغییر دیدگاه نسبت به نهاد خانواده. در پژوهش حاضر، یافته‌ها در قالب سه مضمون اصلی ارائه شده‌اند.

جدول ۲. مقولات اصلی و کدهای زیرمجموعه استخراج‌شده از مصاحبه‌ها

مقوله اصلی	کدهای زیرمجموعه
پیامدهای عاطفی-روان‌شناختی	احساس گناه، اضطراب، افسردگی، بی‌کفایتی والدانه
پیامدهای اجتماعی-فرهنگی	انگ‌زنی، طرد اجتماعی، احساس شرم، کناره‌گیری اجتماعی
تحولات شناختی-نگرشی	کاهش اعتماد به ازدواج، نگرانی از آینده، تغییر نگرش به خانواده

- جدول بالا نشان‌دهنده دسته‌بندی نهایی یافته‌ها بر اساس تحلیل مضمون است که از داده‌های گردآوری‌شده از مصاحبه‌ها استخراج شده‌اند.
- این مضامین بیانگر تجربه زیسته والدین در مواجهه با طلاق فرزندان هستند که در سه سطح عاطفی-روان‌شناختی، اجتماعی-فرهنگی، و شناختی-نگرشی بروز یافته‌اند.
۱. پیامدهای عاطفی و روان‌شناختی بر والدین زوجین
- احساس شکست و گناه: بسیاری از والدین احساس می‌کنند که در تربیت فرزند خود ناموفق بوده‌اند و خود را مقصر شرایط موجود زندگی فرزندشان که در حال فروپاشی و طلاق است می‌دانند. "همش دارم خودمو سرزنش میکنم اگر بجای ۸ تا بچه دو تا بچه داشتم بهترتونسسته بودم تربیتشون کنم (کد ۳)"
- افسردگی و اضطراب: والدین اظهار داشتند که حین طلاق فرزندشان، دچار اضطراب شدید، کاهش انرژی و نشانه‌های افسردگی شده‌اند. "باباش از خواب و خوراک افتاده وقت دکتر روانپزشک گرفتیم (کد ۵)"
- احساس تنهایی و انزوای عاطفی: برخی از والدین به دلیل تغییر در روابط خانوادگی و اجتماعی، احساس طردشدگی کرده‌اند. "ما هفتگی تو خانوادمون دورهمی داریم الان که بحث مشکلات بچم پیش اومده بعضی خانواده های فامیل ما رو تو دورهمیا به ی بهانه ای دعوت نمیکنن (کد ۷)"
- احساس می‌کردم من باعث شدم زندگی‌شون به اینجا برسه» (کد ۴)
 - باباش از خواب و خوراک افتاده، وقت دکتر روانپزشک گرفتیم» (کد ۵)
 - از وقتی تو پروسه طلاق گرفتن هستن، با هیچ کس حرف نمی‌زنم» (کد ۶)
۲. پیامدهای اجتماعی و فرهنگی بر خانواده مبدأ
- کاهش پذیرش اجتماعی: برخی والدین گزارش کردند که در بستر طلاق فرزندشان، نگاه جامعه و اطرافیان نسبت به آن‌ها تغییر کرده است. "تو مراسم تعیین مهریه دختر یکی از اقوام دعوت نشدیم درصورتیکه همیشه تو اینجور مراسم نفر اولی که دعوت میشد من و همسر من بودیم بعنوان بزرگتر جمع (کد ۷)".
- انگ‌زنی و سرزنش اجتماعی: شرکت‌کنندگان اظهار داشتند که در جمع‌های خانوادگی و اجتماعی، به‌عنوان "والدین فرزندی که زندگیش در حال فروپاشی است (کد ۱)" یا "پدر یا مادر ناتوان در تربیت (کد ۳)" برچسب می‌خورند.

تغییر در روابط فامیلی و دوستانه: در بسیاری موارد، روابط فامیلی دچار تنش شده و پذیرش اجتماعی کاهش یافته است. این تغییرات در خانواده‌های سنتی بیشتر نمود داشته است. "انگار به جورایی ما رو بدقدم میدونن چون تو مراسم پاگشای پسر برادر شوهرم ما دعوت نبودیم احتمالاً خوشایندشون نبوده خانواده عروسون بدونن بچه ما درگیر طلاقه(کد ۱)"

- «در فامیل دیگه مثل قبل باهامون رفتار نمی‌کنن» (کد ۷)
- «پشت سرمون حرف درآوردن که بچه‌تو بلد نبودی تربیت کنی» (کد ۱۱)
- «ما رو به مراسم عروسی دعوت نکردن چون گفتن بچه‌مون درگیر طلاقه» (کد ۱)

۳. پیامدهای شناختی و نگرشی طلاق بر والدین زوجین

کاهش اعتماد به نهاد ازدواج: والدین حین تجربه طلاق فرزندان، نگرش منفی‌تری نسبت به ازدواج فرزندان پیدا کرده‌اند و در برخی موارد، ازدواج مجدد فرزندان را توصیه نمی‌کنند. "از اولیش چی دیدیم که بخوایم دومی بیا(کد ۹) ترس از آینده و احساس ناامنی: برخی والدین دچار نگرانی درباره آینده فرزند خود شده و احساس ناامنی اجتماعی و اقتصادی بیشتری را در این زمینه تجربه می‌کنند. "من یه بازنشسته ام الان چطوری خرج او رو بدم شش ماهه دخترم برگشته تو خونه من تا تکلیفش معلوم بشه(کد ۲)" هزینه‌های وکیلش خیلی زیاده من نمیتونم بدم مادرش رفته گردنبدنشو فروخته که پول وکیلو بدیم(کد ۶)"

تجربه طلاق فرزند نگرش والدین را نسبت به ازدواج، آینده فرزندان و توانایی خودشان در حمایت‌گری تحت‌الشعاع قرار داده است.

- «به دخترم گفتم دیگه ازدواج نکن، ارزش نداره» (کد ۳)
- «همش فکر می‌کنم بچه‌م تنها می‌مونه، چی میشه بعد؟» (کد ۱۰)
- «از نظر مالی و روحی دیگه زورم نمی‌رسه کمکش کنم» (کد ۲)

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که طلاق فرزند تأثیرات چندلایه‌ای بر والدین دارد که می‌توان آن‌ها را در سه سطح روان‌شناختی، اجتماعی-فرهنگی و نگرشی دسته‌بندی کرد. در بعد روان‌شناختی، والدین احساس گناه، اضطراب، افسردگی، و ناتوانی در ایفای نقش والدانه را تجربه کردند. در بعد اجتماعی-فرهنگی، اغلب آن‌ها با طرد اجتماعی، نگاه قضاوت‌آمیز اطرافیان و احساس شرم روبه‌رو بودند. در سطح نگرشی نیز کاهش اعتماد به نهاد ازدواج، نگرانی نسبت به آینده فرزندان و تغییر در باورها نسبت به خانواده به چشم می‌خورد.

مقایسه یافته‌های این پژوهش با مطالعات پیشین، هم‌راستایی نتایج را با پژوهش آکسلراد و میرمن (۲۰۲۱) تأیید می‌کند؛ آن‌ها نیز تأکید کرده بودند که طلاق فرزند، تأثیرات پنهان ولی عمیقی بر والدین دارد که اغلب در سیاست‌های مداخله‌ای نادیده گرفته می‌شود. همچنین پژوهش احمدی و همکاران (۱۴۰۰) نیز بر احساسات منفی والدین پس از طلاق فرزند، از جمله افسردگی و بی‌هویتی اجتماعی تأکید داشت. تفاوت پژوهش حاضر با برخی مطالعات خارجی، در برجستگی بیشتر مفهوم «انگ‌زنی اجتماعی» در بافت فرهنگی ایران است؛ جایی که طلاق نه تنها یک شکست شخصی بلکه شکستی خانوادگی و حیثیتی تلقی می‌شود. از منظر نظری، یافته‌ها با نظریه سیستم‌های خانواده هم‌سویی دارد. این نظریه بیان می‌کند که تغییر در یکی از اعضای خانواده بر کل نظام تأثیر می‌گذارد؛ در اینجا، طلاق فرزند، به‌منزله اختلالی در کل

سیستم خانواده عمل می‌کند. همچنین نظریه برچسب‌زنی^۸ در تحلیل پیامدهای اجتماعی به‌ویژه طرد و انگ‌زنی نقش دارد. والدین با مواجهه با برچسب‌هایی چون «والدین ناکام» یا «خانواده ناموفق»، احساس انزوا و اضطراب بیشتری را تجربه می‌کنند. نتیجه‌گیری نهایی آن است که طلاق فرزند تنها بر زوجین اثر نمی‌گذارد، بلکه موجب شکل‌گیری نوعی سوگ اجتماعی و روان‌شناختی در والدین می‌شود؛ سوگی که اغلب ناشناخته و بدون حمایت باقی می‌ماند. ضروری است که نهادهای روان‌شناسی و اجتماعی، برنامه‌هایی ویژه برای حمایت از والدین درگیر با طلاق فرزند طراحی کنند؛ از جمله جلسات مشاوره خانواده، آموزش‌های سواد عاطفی و شناختی، و اصلاح نگرش اجتماعی نسبت به طلاق. با توجه به ماهیت کیفی و روش پدیدارشناسی توصیفی، حجم نمونه ۱۲ نفر بوده است که ممکن است نمایانگر کامل تنوع تجارب والدین در سایر مناطق ایران نباشد. جامعه آماری پژوهش محدود به والدین زوجین متقاضی طلاق در شهر یزد بود که ممکن است ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خاص این منطقه بر نتایج تأثیر گذاشته باشد و تعمیم نتایج به سایر مناطق با احتیاط انجام شود. انجام پژوهش‌های مشابه با حجم نمونه بزرگ‌تر و در مناطق مختلف کشور، برای دستیابی به تصویر جامع‌تر از پیامدهای روان‌شناختی طلاق بر خانواده مبدأ پیشنهاد می‌شود مطالعات کمی با ابزارهای استاندارد و پرسشنامه‌های معتبر برای تأیید و تعمیم نتایج کیفی این پژوهش انجام شود. پژوهش درباره پیامدهای طلاق فرزند بر نسل‌های بعدی خانواده برای درک بهتر تأثیرات بلندمدت طلاق در ساختار خانواده ایرانی ضروری است.

تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند هیچ تعارض منافع مرتبط با این مقاله وجود ندارد.

ملاحظات اخلاقی

قبل از انجام مصاحبه، هدف پژوهش به شرکت‌کنندگان توضیح داده شد و از آن‌ها رضایت‌نامه کتبی مبنی بر تمایل به شرکت در پژوهش دریافت شد. تمامی داده‌های جمع‌آوری‌شده به‌صورت محرمانه نگهداری شده و اطلاعات شخصی شرکت‌کنندگان در هیچ‌یک از مراحل پژوهش افشا نشده است. شرکت‌کنندگان در هر مرحله از پژوهش اختیار کامل برای انصراف از ادامه همکاری را داشتند، بدون آنکه پیامدی متوجه آن‌ها شود. این پژوهش مطابق با اصول اخلاقی کمیته اخلاق دانشگاه آزاد اسلامی انجام شده و دارای کد اخلاق IR.IAU.BA.REC.1403.030 از کمیته اخلاق دانشگاه آزاد اسلامی است.

حمایت مالی

تمام منابع مالی از هزینه‌های شخصی بوده و توسط هیچ سازمانی تأمین نشده است.

تشکر و قدردانی

پژوهشگران بر خود لازم می‌دانند تا از تمامی مشارکت‌کنندگان در این پژوهش و همچنین متخصصان و همکارانی که با صرف وقت بارزش خود در مسیر این پژوهش یاری گر گروه پژوهش بودند، نهایت تقدیر و تشکر را به عمل آورند.

^۸. Labeling Theory

Reference

- Abbaspour, Z., Ahmadi Nuredinvand, S., & Shirali Nia, K. (2024). Investigating the Lived Experience of Women Sought Divorce from the Interference of the Spouse's Family. *Iranian Journal of Family Psychology*, 11(1), 35-47. ## <https://doi.org/10.22034/ijfp.2024.2033225.1330>
- Amato, P. R. (2000). The consequences of divorce for adults and children. *Journal of marriage and family*, 62(4), 1269-1287. <https://doi.org/10.1111/j.1741-3737.2000.01269.x>
- Amato, P. R. (2010). Research on divorce: Continuing trends and new developments. *Journal of marriage and family*, 72(3), 650-666. ## <https://doi.org/10.1111/j.1741-3737.2010.00723.x>
- Aminaroaya, R., Kazemian, S., & Esmaeili, M. (2019). Qualitative investigation and comparison of the communication characteristics of the family of origin in divorced and non-divorced women. ## *Applied Research In Counseling*, 2(1), 43-85. ## https://www.jarci.ir/article_696681.html?lang=en
- Chenani, F., Rahmani, S., kurkur, M., & Shoaie, F. (2022). The impact of divorce on the emotional development of children aged 7 to 12. *Studies of Psychology and Educational Sciences*, 8(3), 181-188. ## <https://civilica.com/doc/1735979/>
- Cooper, K. (2017). *Poverty and parenting in the UK*. PhD thesis, London School of Economics and Political Science. ## <http://etheses.lse.ac.uk/id/eprint/3633>
- Dixon, L. J., & Wilhoit, S. A. (2019). Divorced Families. *Encyclopedia of Couple and Family Therapy*, 787-790. ## https://doi.org/10.1007/978-3-319-49425-8_484
- Firozjaeyan, A. A., Sadeghi, S., Janmohammadi largani, V., & Lotfi, T. (2018). Meta-analysis of studies about divorce in Iran. *Biannual Journal of Woman and Family Studies*, 6(2), 111-143. ## [doi:10.22051/jwfs.2017.15089.1438](https://doi.org/10.22051/jwfs.2017.15089.1438)
- Heydari, R., Sodani, M., Rajabi, G. R., & Khojastehmehr, R. (2023). Investigating the Experience of Spouse Selection in Children of Divorce: A Qualitative Research. *QJCR*, 22(87), 4. ## <https://doi.org/10.18502/qjcr.v22i87.13986>
- Komorowska-Pudło, M. (2021). Family-of-origin ties and relationships and how they affect dealing with one's own marital conflicts. *Kwartalnik Naukowy Fides et Ratio*, 46(2), 173-204. ## <https://doi.org/10.34766/fetr.v46i2.829>
- McKie, C. (2024). Divorce, an overview. *Encyclopedia of Quality of Life and Well-Being Research*, 1859-1861. ## https://doi.org/10.1007/978-3-031-17299-1_768
- Naserian, S. (2024). Social media and their impact on divorce patterns in urban Iranian societies. *Quarterly Journal of strategic research in education*, 28:481-495. ## <https://civilica.com/doc/2156807/>
- Pasteels, I., & Bastais, K. (2020). Loneliness in children adapting to dual family life. *Parental life courses after separation and divorce in Europe*, 195-213. ## https://doi.org/10.1007/978-3-030-44575-1_10
- Sharma, I., Pandit, B., Pathak, A., & Sharma, R. (2013). induism, Marriage and Mental Illness. *Indian Journal of Psychiatry*, 55(2), S243-S249. ## [DOI: 10.4103/0019-5545.105544](https://doi.org/10.4103/0019-5545.105544)
- Stewart, K. (2016). The family and disadvantage. *Social advantage and disadvantage*, 85-111. ##
- Strohschein, L. (2005). Parental divorce and child mental health trajectories. *Journal of marriage and family*, 67(5), 1286-1300. ## <https://doi.org/10.1111/j.1741-3737.2005.00217.x>
- Taghizadeh, H., Salarifar, M. H., & Khodadadi Sangdeh, J. (2024). Investigating the role of families of origin in the stability or instability of couples' relationships: a qualitative

- study. *The Women and Families Cultural-Educational*, 19(69), 11-46 .## <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.26454955.1403.19.69.4.9>
- Williams, K., & Dunne- Bryant, A. (2006). Divorce and adult psychological well- being: Clarifying the role of gender and child age. *Journal of marriage and family*, 68(5), 1178-1196 .## <https://doi.org/10.1111/j.1741-3737.2006.00322.x>
- Wolfinger, N. H. (2011). More evidence for trends in the intergenerational transmission of divorce: A completed cohort approach using data from the general social survey. *Demography*, 48, 581-592 .## <https://doi.org/10.1007/s13524-011-0025-4>